

گذری برتغییر و تحولات خیابان‌های مشهد با نگاه به شکل‌گیری و ساخت خیابان امام خمینی(ره)

خیابانی که از دل ارگ سربرآورد

زهرایات! سال ۱۳۰۷ خورشیدی سالی است که شکل و شمایل مشهد به کلی تغییر می‌کند. در این سال علاوه بر طرح و اجرای خیابان فلکه دور حرم مطهر رضوی، چندین خیابان دیگر نیز طرح‌ریزی و اجرا می‌شوند. خیابان‌هایی مثل شاهرضا، پهلوی، تهران و طبرسی. بناست این شبکه معابر جدید مشکلات ارتباطی مشهد را مرتفع کنند. در شماره گذشته به جزئیات شکل‌گیری خیابان‌های شمالی و جنوبی فلکه پرداختیم. در این شماره به یکی دیگر از خیابان‌های قدیمی مشهد می‌پردازیم که احداثش هم‌زمان با ساختمان خیابان فلکه شروع می‌شود و امروز به نام خیابان امام خمینی^(ره) شهره است.

● شروع ساخت با تخریب منزل امین اف به طور دقیق مشخص نیست که طرح خیابان پهلوی در چه تاریخی ریخته شده اما کار ساخت آن از سال ۱۳۰۷ خورشیدی آغاز می‌شود، تقریباً هم‌زمان با شروع ساخت دیگر خیابان‌های مشهد. متولیان شهر تصمیم به ساخت خیابانی می‌گیرند که از میدان پهلوی که همان میدان شهدای کنونی است، به سمت ارگ حکومتی برود که مکان بانک ملی مرکزی کنونی است. روزنامه آزادی که از شهریور ۱۳۰۴ تا بهمن ۱۳۵۳ منتشر شده در بین روزنامه‌های شهدی، بیشترین اخبار شهرمشهد را دارد. در همین روزنامه و به تاریخ یکم اردیبهشت ۱۳۰۸ از «تعطیلی کار خیابان» پهلوی خبر داده شده است. «به‌قرا معلوم چون هنوز بودجه اداره بلدیه (شهرداری) مشهد ابلاغ نشده است اداره مالیه از دادن بودجه ساختمان خیابان پهلوی خودداری کرده و دو سه روز است که ساختن خیابان تعطیل شده است! در صورتی که اعتبار ساختن خیابان پهلوی پارسال تصویب و ابلاغ شده و مربوط به بودجه امسال نیست خودداری اداره مالیه گویابی مود است.» ۱۶ روز بعد اما به نقل از همین روزنامه ذکر شده که «از روز سه‌شنبه اداره بلدیه شروع به ساختن خیابان پهلوی نموده و منزل امین اف جدید را که مقابل قونسولگری بود خراب کردند. همچنین به حاج محمدابراهیم ذغالی، صاحب لافانه* شرق اخطار شده که معمار خود را تعیین نماید تا به اتفاق رئیس ساختمان بلدیه عمارت لافانه که قسمت عمد آن جزو خیابان می‌شود، تقویم گردد.» ساختمان خیابان که از مرکز نیز برایش «امراکید شده است که سنگ‌ریزی» هم بشود با تخریب این دو بنا و منزل نصیر یک‌اف آن هم از میانه (ابتدای خیابان جنت) شروع می‌شود و به سمت ابتدا و انتها پیش می‌رود.

● سد بزرگان بر دمر مسیر خیابان

به روایت روزنامه آزادی خرابی خیابان پهلوی تا ۱۶ خرداد ۱۳۰۸ به اول کوچه نجد السلطنه می‌رسد. آن طور که از اخبار برمی‌آید در این دوره فقط ساختمان همین خیابان در مشهد جریان دارد و کار دیگر خیابان‌ها یا تعطیل است یا به‌کندی پیش می‌رود. آزادی در ۵ تیر ۱۳۰۸ از «بودجه بلدیه» نوشته و می‌گوید، «تاکنون بودجه ۱۳۰۸ بلدیه مشهد تصویب نشده و فقط

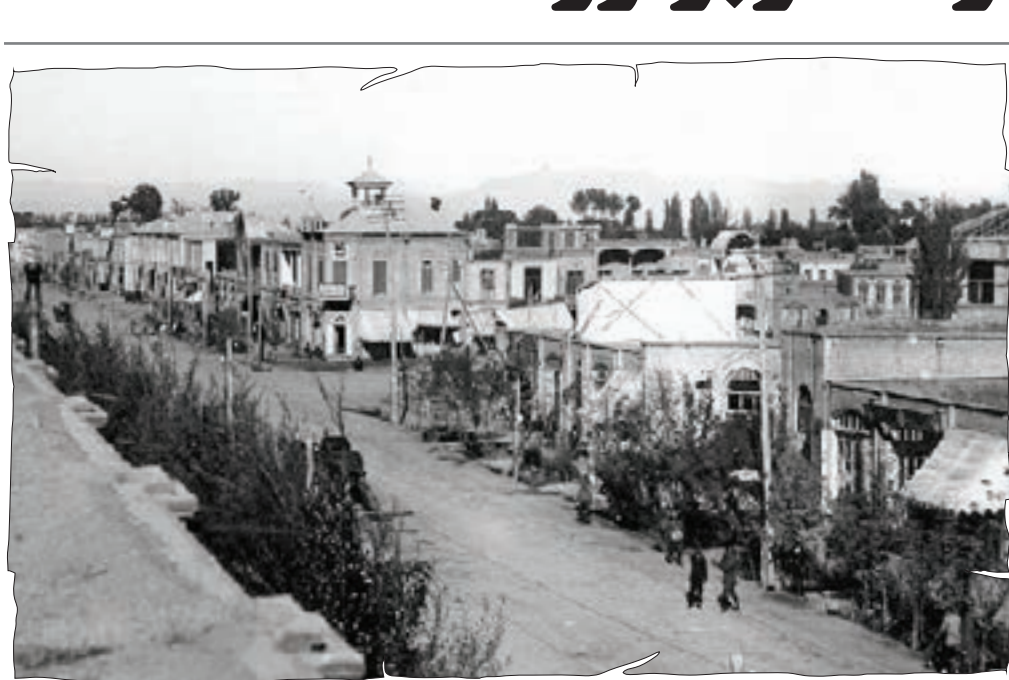
وجود دارد که پرداخت نشدن به موقع حقوق صاحبان منازل تخریب شده، از آن جمله است. جریده آزادی، ۱۰ بهمن ۱۳۰۸ به تیتیر «فتا مالیه و شکایت مردم» می‌نویسد «مردم دچار زحمت شده و اداره مالیه در پرداخت حوالجات بلدیه کاملاً تعلیل و اشکال تراشی می‌نماید. معلوم نیست به چه نظر اداره مالیه دارندگان حوالجات را یک ماه دو ماه به وعده امروز فردا سرگردانیده، طلب آن‌ها را نمی‌پردازد؟»

● جایزه برای رونق گرفتن بخش میانی هم‌زمان با خرید و تخریب منازل ابتدای خیابان، کار «تسطیح و سنگ ریزی، شن‌ریزی و پرفیل‌سازی» در میانه خیابان با سرعت بیشتری پیش می‌رود. آنچه ساخته شده بسیار متفاوت است با معابر پیشین مشهد. در این بخش خیابان‌های تازه‌ای هم تعریف شده تا به خیابان پهلوی متصل شوند، مثل خیابان «جم» که بنا بر گزارش روزنامه بهار در ۲۷ فروردین ۱۳۰۹ «مأمورین پروفیل با تسطیح خیابان جم با سرعت تمام مشغول می‌باشند.» در برخی نقاط اما کار به نتیجه نیز رسیده است. از جمله در بخش اتصال انتهایی خیابان شاه رضا (خسروی فعلی) در دهه اول شهریور ۱۳۰۹ که ایاب‌وذهاب در آن نیز صورت می‌گیرد. در این بخش که بین مردم به «خیابان اتصال» شهره است، حتی چند دکان هم بازگشایی می‌شود. اداره

بلدیه در ادامه، برای اینکه به رونق گرفتن و زیبایی این قسمت سرعت ببخشد یک جایزه «سیصد تومانی» تعیین می‌کند. آزادی در شماره ۱۲ آبان ۱۳۰۹ نوشته است «اداره بلدیه برای هر کس که یک ساختمان قشنگی در خیابان پهلوی بنماید، ابتدا پانصد تومان جایزه تخصیص داده بود و اخیراً سیصد تومان تعیین کرده است.» تا قبل از این جایزه البته ساختمان‌های

زیبایی در مجاورت خیابان یا گرفته‌اند، مثل ساختمان گراند هتل (پارس) و مغازه‌های نوساز» نصیر بیگف‌ها، در مجاورت آن. دوهفته بعد پهلوی اول در سفری به مشهد از روند پیشرفت خیابان بازدید می‌کند و بر راهاندازی سریع‌تر آن تأکید می‌کند. علاوه‌بر این تأکیدات، خود خیابان تازه‌تأسیس هم آن قدر جذابیت دارد که به جز مشاغلی چون ساعت‌سازی و مطب پزشکان که پیش‌تر نیز در حوالی آن رونق داشته‌اند، مشاغل دیگری را هم به سمت خود بکشانند. ضمن اینکه در خرداد همین سال نیز بنا شده که خیابان تا شهر نو پیاده (اراضی پادگان لشکر خراسان) امتداد یابد، برای همین بسیاری از مشاغل به سمت آن کشیده می‌شوند.

● تکمیل خیابان به لطف هزاره فردوسی از مرداد ۱۳۰۹ نایب محمد آقاخان مینا به دستور آقای جم، والی خراسان، مأمور تنظیم امور خرابی‌و ساختمان‌های شهری می‌شود و صاحبان املاک تخریب شده موظف هستند «پس از خرابی ملک خود به فوریت درصدد ساختمان بنای خود برآیند و در طرف مدت قلیلی آن را خاتمه دهند، با این حال اتمام نهایی خیابان زمان زیادی می‌برد. اگرچه بخش‌های زیادی از خیابان مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد و حتی حوالی آن، مثل میدان ارگ به‌واسطه گل کاری به گردشگاه عمومی بدل شده اما تکمیل دیگر بخش‌های آن تا زمان گنگره هزاره فردوسی در ۲۰ مهر ۱۳۱۳ زمان می‌برد. مثلاً سنگ‌فرش آن به گزارش روزنامه بهار تازه که در اردیبهشت ۱۳۱۲ از طرف اداره بلدیه شروع می‌شود. در ادامه می‌بینیم که به روایت مطبوعات: «امتداد قسمت جنوبی خیابان پهلوی از ابتدای پل دروازه ارگ تا میدان فوج شاهپور به طول ۴۵۰



تاریخ خیابان پهلوی (قسمت دوم) (۳۰ بهمن ۱۳۰۸) - تهران

متر با سرعت کاملی شروع شده، نصب بیرق شاخص نقشه‌برداری، تقویم منازلی که در جنب خیابان بوده خاتمه یافته عمل خرابی آن قسمت هم تمام و اینک مشغول خاک ریزی و تسطیح خیابان می‌باشند،» شروع خیابان‌سازی بلدیه در خیابان خسروی از دو طرف. از محل تلاقی با خیابان پهلوی و محل تلاقی با خیابان شاهرضا نیز اتفاقی است که در فروردین ۱۳۱۳ می‌افتد. همچنین اگرچه چند دهانه پل کوچک در مسیر ساخت خیابان پهلوی در سال ۱۳۰۹ اجرا می‌شود اما عملیات پل اصلی که خارج دروازه ارگ بر روی کل قره‌خان (نزدیک میدان ۱۰ دی فعلی) احداث می‌شود، در مرداد ۱۳۱۳ شروع می‌شود. یا امتداد آن - که با نام «ساختمان جدید خیابان پهلوی» شهرت می‌یابد- در شهریور همین سال شروع می‌شود. روزنامه بهار در شماره ۸ شهریور ۱۳۱۳ می‌نویسد «به‌قرازی که اطلاع یافته‌ایم اداره بلدیه در نظر گرفته است که در آنیه خیابان پهلوی را از سمت شمال به طرف خواجہ ربیع امتداد بدهد، در نهایت برگزاری هزاره فردوسی در مشهد و افتتاح آرامگاه جدید فردوسی سبب می‌شود که بخش‌های باقی‌مانده خیابان پهلوی که به واسطه گذرش از دروازه و زمین‌های ارگ حکومتی مشهد، به نام «ارگ» نیز مشهور شده (نهرهای طرفین آن) به سرعت تکمیل شود و در نهایت به عرض ۳۰ ذرع و طول ۱۸۵۸ ذرع، از خیابان نادری تا میدان مشق واقع در شهر نو مورد استفاده قرار بگیرد.

♦عهدار: در مملکت عثمانی به معنای رستوران است. البته عثمانی‌ها قاف نویسنده و کاف تلفظ کنند (لکانه) و در ایران به غلط آن را با قاف نوشته و هم قاف تلفظ کنند.



و عصرها برای تفریح. همچنین خیابان قدیمی ارگ که از سه‌راه ارگ (چهارطبقه‌فعلی) شروع می‌شده و تا میدان ده دی ادامه داشته، یکی از خیابان‌های منحصر به‌فرد ایران است. بیشتر املاک و مغازه‌های این محدوده به افراد با نفوذ و طبقات بالادست اجتماعی مشهد گذشته تعلق داشته است. از این‌رو در جریان

مشهد روزگار خود ملاحظاتِی دارد و برای

نمونه هنگام ساخت خیابان تهران و طبرسی اجازه نمی‌دهد در جوار آن‌ها سینما یا کافه‌ای ساخته شود.

او و متولیان شهری وقت مشهد ساخت چنین مواردی را برای خیابان پهلوی در نظر می‌گیرند که به‌صورت مستقیم به حرم متصل نیست. صبح‌ها مردم برای کارهای اداری به ارگ می‌آیند

نخستین خیابان اداری مشهد

خیابان پهلوی یا ارگ نخستین خیابان مدرن شهر مشهد است. خیابان ارگ برای نسل جدید با همان نسل اداری‌ها ساخته می‌شود. محمودلی‌خان اسدی نایب‌التولیه آستان‌قدس که به‌نوعی کارگزار پهلوی اول در مشهد نیز هست، به حرم مطهر رضوی و اعتقادات مردم



بولوار امیریه؛ دکل یازدهم فشار قوی برق



محمدرضا امانی

این روایت به‌نوعی قدردانی از همه مردان و زنانی است که در یک عصر گرم تابستانی، ۶۷ پله‌یک ساختمان نیمه‌تمام را چندین دفعه بالا و پایین رفتند. در حالی که در هر رفت و برگشت، تکه‌ای از چیزیه‌همسرم بر شانه‌ها و دست‌هایشان سنگینی می‌کرد...

فیلم سینمایی «آجاره‌نشین‌ها» را دوران دانشجویی در دانشگاه تماشا کرده بودم. در طول تماشای فیلم به مصیبتی که ساکنان آن ساختمان پرت افتاده، گرفتارش بودند، خندیده بودم و از سالن آمفی‌تاتر که بیرون آمدم فراموشش کردم. اما تمام شب‌های تابستان چهار سال بعد که در یک واحد آپارتمان پرت و دورافتاده از شهر در حالی که دراز کشیده و به سقف زل زده بودم به فیلم سینمایی آجاره‌نشین‌ها فکر می‌کردم.

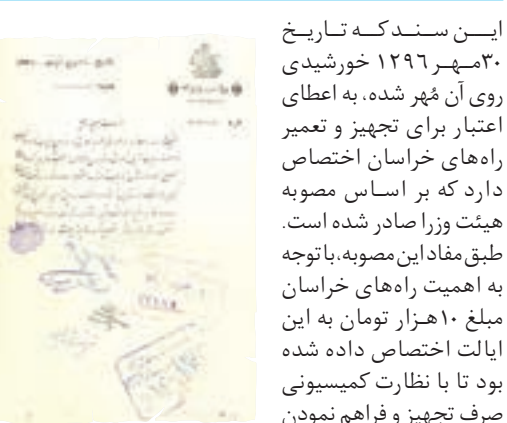
اواخر دهه ۸۰ شمسی در یک اتحاد بزرگ خانوادگی، من و همسرم موفق به پیش‌خرید یک واحد آپارتمان هفتادمتری در بولوار امیریه شدیم. خانه‌مان در طبقه چهارم بود و در آن سال‌ها تنها وجود دکل‌های برق در محله‌امیریه نشان‌دهنده تمدن بشری در آن منطقه بود. هیچ نبود جز بولواری که انتهایش به بیابان‌های بی‌آب‌وعلف منتهی می‌شود کله‌های سگ‌ونیر آهن‌هایی که به‌دل آسمان کشیده شده بودند و نوید آبادانی در آینده‌ای نزدیک را می‌دادند. ما شبیه نخستین مهاجران به جزیره‌ای دورافتاده بودیم که بنا بود آن جزیره خالی از سکنه را برای آیندگان به مکانی قابل زیست مبدل کنیم. با اعتماد به تعهدات شرکت ساختمان‌سازی مبنی بر تکمیل پروژه ظرف یک‌ماه آینده. را اقدامی زودیاورانه و معتمدانه شروع به تدارک مراسم عروسی کردیم. کارت‌های عروسی توزیع و رنگ‌کت‌وشلوار معلوم و تعداد شاخه‌های گل عروس تعیین و تالار رزرو شد. فقط مانده بود تعهدات شرکت فخمیه که ساده‌دلانه امید داشتیم طی مدت اعلام شده، کلید منزل مذکور را تحویل‌مان خواهند داد و ما زندگی مشترک را در خانه‌ای زیبا و رؤیایی آغاز خواهیم کرد. آیا لازم به یادآوری است شرکت مسبری که آپارتمان را به ما واگذار کرده بود هیچ اعتنایی به نگرانی ما و تعهدات خودش نداشت؟! به طوری که مراسم بردن چیزیه که با دو دستگاه نیشان آبی صورت گرفت بیشتر به کارگاه موزاییک‌سازی شباهت داشت تا منزل یک نوع‌وروس.

منزل‌مان چنان از آبادی دور بود که برای رسیدن به نزدیک‌ترین فروشگاه باید چند کیلومتر پیاده‌روی می‌کردیم. برای کم کردن بار روانی مسیری که باید پیاده گز می‌کردم، همسرم در مشمّایی برایم نوشیدنی و تنقلات تدارک می‌دید. برای احتیاط خودم هم مجله‌ای بر می‌داشت‌م تا در طول مسیر که برای استراحت توقف می‌کنم حوصله‌ام سر نرود. هنوز از تاکسی‌های اینترنتی خبری نبود و هیچ ژائانسی هم عqlش را از دست نداده بود تا جوازش را در چنین جزیره دورافتاده‌ای به کار بگیرد.

یک شب آن قدر در ابتدای بولوار منتظر تاکسی شدیم که همسرم از شدت سرمای هوا به رعشه افتاده بود و زبانش بند آمده بود. اولین ماشینی که چراغ‌هایش از دور معلوم شد یک اتومبیل یک‌کش بود. سوارمان کردود راه به‌صاحب‌اتومبیلی که معلوم بود از شدت تاریکی معابر حساسی ترسیده تماس گرفت و گفت که یک مورد اورژانسی‌تر پیش آمده. چند دقیقه بعد ما جلویک ساختمان هفت طبقه که تنها چراغ‌های طبقه چهارمش آن هم از طریقی شبهه‌ناک روشن بود، پیاده شدیم. هنوز هم به نظرم سخت‌ترین کار بعد از کار در معدن، حمل دو دبه بیست لیتری آب از طبقه همکف به طبقه چهارم است. حالا پس از گذشت بیش از یک دهه این جزیره آن قدر نور و روشنایی و فضای سبز در خودش دارد که می‌شود ساعت‌ها در آن پیاده‌روی کرد و فقط نگران مسائل و چیزهایی بود که بقیه مردم شهر هم به آن‌ها فکر می‌کنند. حال آن قدر فروشگاه‌در حوالی خانه‌مان هست که گاهی می‌مانیم از کدامشان خرید کنیم تا آن دیگری دل‌خور نشود. بسیاری از آخر شب‌ها که چراغ‌ها را خاموش کرده‌و به سقف خانه‌ام زل زده‌ام، صدای بوق‌های پیپای ماشین عروس را می‌شنوم و لبخندی به چهره‌ام می‌نشیند. با خودم فکر می‌کنم که این زوج جوان فردا که از خواب بیدار بشوند و بخواهند دست و رویشان را بشویند، وقتی شیر آب را باز می‌کنند، از لوله‌ها آبی زلال بیرون می‌ریزد یا هوای خالی؟! به سند خانه‌مان فکر می‌کنم که در قسمت آدرس نوشته شده است: بولوار امیریه، دکل یازدهم فشار قوی، سمت راست، جنب کال.



تجهیز راه‌های خراسان



این سند که تاریخ ۳۰مهر ۱۲۹۶ خورشیدی روی آن مُهر شده، به اعطای اعتبار برای تجهیز و تعمیر راه‌های خراسان اختصاص دارد که بر اساس مصوبه هیئت وزرا صادر شده است. طبق مفاد این مصوبه، با توجه به اهمیت راه‌های خراسان مبلغ ۱۰هزار تومان به این ایالت اختصاص داده شده بود تا با نظارت کمیسیونی صرف‌تجهیز و فراهم نمودن امکانات لازم شود. در متن این سند آمده است: «وزارت جلیله مالیه: هیئت وزرای عظام در جلسه پنجم مجرم مطابق ۲۰برج میزان ۱۳۳۶هجری قمری تصویب فرمودند که چون تأمین طرق و مشارع خراسان اهمیت کلی پیدا کرده است، مبلغ ده هزار تومان به ایالت مذبور اعتبار داده شود و در سمت نظارت کمیسیونی مرکب از آقایان مرکب از مشاورالممالک، امین مالیه، رئیس قشون و مفتش اداره نظام و غیره به مصرف تجهیز امتداد(راه‌ها) صرف و قوا هر کجا که مقتضی شده، اعزام شود. تصویب نامه در کابینه ریاست وزرا ...».